

جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت
(مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

محمدحسین توحیدی فرد^۱

ابراهیم نوری^۲

تاریخ وصول: ۹۴/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۲۵

چکیده

یکی از صفات ارزشمند و کلیدی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان نقش مهمی دارد، عفو و گذشت است. واژه عفو، به معنای گذشت از اشتباه خاطی و چشم‌پوشی از گرفتن انتقام با وجود داشتن قدرت آن می‌باشد. در بسیاری از متون دینی بر صلح، دوستی و بخشش تأکید فراوانی شده و بسیاری از ادیان، به ویژه ادیان توحیدی، زمینه هدایت را برای بشر فراهم آورده‌اند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و در چهار بخش اصلی شامل: ۱- مفهوم شناسی واژه عفو؛ ۲- عفو و گذشت در قرآن کریم؛ ۳- عفو و گذشت در کتاب مقدس مسیحیان؛ ۴- محدوده‌ی عفو و گذشت در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان، تنظیم و مورد بررسی قرار گرفته است. با مطالعه نوشتار حاضر درمی‌یابیم از منظر قرآن کریم در اسلام، در روابط اجتماعی همیشه عواطف انسانی بر عقل مقدم است و عقل انسانی تنها زمانی به کار می‌آید که شخص فاقد عواطف قوی انسانی بوده، منش اخلاقی در وی تقویت نشده و فضیلت‌های اخلاقی در جانش نفوذ نکرده باشد، اما از نظر کتاب مقدس مسیحیان، در مسیحیت عفو و بخشش به دلیل محبت آن‌هاست و محبت برترین فضیلت در مسیحیت محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: عفو و گذشت، اسلام، قرآن کریم، مسیحیت، کتاب مقدس مسیحیان.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان. erfani2018@gmail.com

۲- استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان. enoori@theo.usb.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

عفو و گذشت از مکارم و محاسن اخلاق و آداب معاشرت است. زیرا در زندگی اجتماعی کمتر کسی دیده می‌شود که حق از او ضایع نشده و دیگران به حریم وی تجاوز نکرده باشند. ادامه‌ی حیات اجتماعی مبتنی بر عفو و گذشت است چرا که اگر همه مردم در گرفتن حق خویش سخت گیر باشند و از کوچک‌ترین لغزش و خطای دیگران چشم پوشی نکنند زندگی بسیار تلخ و غیر قابل تحمل خواهد شد و روح صفات و صمیمیت به کلی از میان جامعه رخت بر می‌بندند و در نتیجه با انتقام‌جویی و کینه‌ورزی و نفرت خصومت و دشمنی حاکم می‌گردد. عفو یک نوع نرمش قهرمانانه و برخوردی مهربانانه است که از بلندی نظر، سعه صدر و بردباری و متانت اخلاقی فرد حکایت می‌کند. در اصول کافی در باب عفو آمده است: **«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزُّكُمْ اللَّهُ»** رسول خدا (ص) فرمودند: (بر شما باد گذشت، زیرا گذشت جز عزت بنده را نیفزاید، از یکدیگر بگذرید تا خدا شما را عزیز کند.) (کلینی، ۱۳۷۵: ۳۲۸)

عیسی (ع) پیامبری است که پیام عفو و بخشش و راه بازگشت از گناه را بارها و بارها بر مردم ابلاغ کرد. بدین ترتیب مریدان عیسی (ع) برای احیای آموزه‌های پیامبرشان کلیساها را بر پا کردند. عهد جدید و انجیل مسیحیان نیز مدام از بخشش سخن می‌گویند و مسیح(ع) را به عنوان منجی و انتقال‌دهنده عفو و بزرگی سرشت پروردگار بر روی زمین معرفی می‌کند. به همین دلیل، بعد از آن حضرت کلیساها به عنوان نمادها و مکان‌های بخشودگی معرفی شد.

با احیای این ویژگی در جامعه می‌توان از ضایع شدن جان و مال انسان‌ها و نابسامانی‌های خانوادگی که در اثر نبود روحیه عفو، منجر به متلاشی شدن و از هم پاشیدن کانون‌های زندگی و افزایش آمار طلاق و ... می‌شود جلوگیری نمود. اساس انگیزه ما در این مقاله بیان جایگاه عفو و گذشت در ادیان الهی اسلام و مسیحیت (با تأکید بر قرآن و کتاب مقدس مسیحیان) و احیای این خصیصه می‌باشد.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت بر اساس قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان چیست؟ که بر اساس تعالیم موجود در کلام وحی و کتاب مقدس به این پرسش پاسخ داده خواهد شد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی، منابع مرتبط و با شیوه‌ی گردآوری کتابخانه‌ای بررسی می‌شود. بدین صورت که ضمن پرداختن به آیات قرآن کریم و متون کتاب مقدس مسیحیان، ملاک‌ها و

جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت
(مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

معیارهای محوری عفو و گذشت را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد تا در نهایت مدل و الگوی مناسبی از این موضوع در جامعه تبیین گردد.

بخش اول) مفهوم شناسی واژه عفو :

عفو در لغت به معنای گذشت از گناه و ترک مجازات یا محو الآثار (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۲) بخشیدن از گناه، (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۲۹) قصد گرفتن چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۴)، به عبارت دیگر : عفو یعنی صرف نظر کردن از حق قصاص و غرامت (نراقی، ۱۳۷۱: ۳۶۷) یا اینکه عفو آن است که برای شخص حقی از قبیل قصاص یا جریمه گرفتن ثابت شود و این شخص از حق خود بگذرد و از آن صرف نظر کند. (کاشانی، ۱۳۸۳: ۳۱۸) عفو در اصل به معنای صرف نظر کردن و رها کردن است از این رو برای بیان صرف نظر کردن از عقوبت گناه «عفا عنه» به کار می‌رود. (ابن فارس، بی تا: ۵۶) کلمه عفو بنا به گفته‌ی راغب به معنای قصد است. عفو یعنی قصد گرفتن چیزی نمودن «عفاه و اتعفاء» قصد گرفتن هرچه را نزد اوست نمود. «عفوت عنه» قصد از بین بردن گناهش را نمودم که از انجام آن برگردد. عفو دور شدن از گناه است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۹) هم چنین عفو در لغت یعنی عمل آمرزنده.

عفو در اصطلاح اخلاق

آن است که فرد در برابر قسم مالی یا غیرمالی از حق خود بگذرد و انتقام نگیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴۵۱)

عفو در اصطلاح فقهی

عفو در اصطلاح فقهی عبارت است از این که به مجرم رضایت بدهد و از او گذشت نماید. (طریحی، ۱۴۱۶: ۱۴۸۵)

بخش دوم) عفو و گذشت در قرآن کریم

عفو و گذشت یکی از اصول مهم اخلاق اسلام به شمار می‌رود و اسلام تأکید فراوان در این زمینه دارد، قرآن کریم کتاب مقدس و آسمانی آیاتی در موضوع عفو و گذشت دارد که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم :

۱- عفو و گذشت دستور خداوند است. «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛» (به هر حال) با عفو و مدارا رفتار کن، و به کارهای شایسته دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن). (اعراف، ۱۹۹)

مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند: اخذ نسبت به چیزی به معنای لزوم و ترک نکردن آن است. بنابراین اخذ کردن عفو این است که آدمی از کسی که بد کرده درگذرد و بدی را بیوشاند از انتقام گرفتن، از کسی که بدی کرده درگذرد و بدی را بیوشاند از حق که عقل اجتماعی به او داده است چشم ببوشد. (شهر آشوب، بی تا: ۱۴۷)

عفو گاهی به معنی مقدار اضافی چیزی آمده.

گاهی به معنی حد وسط و میانه.

گاه به معنی قبول عذر خطاکار و بخشیدن او.

و گاه به معنی آسان گرفتن کارها.

قرائن آیات نشان می‌دهد آیه فوق ارتباط با مسائل مالی و گرفتن مقدار اضافی از اموال مردم که بعضی از مفسران گفته‌اند، ندارد، بلکه مفهوم مناسب، همان «آسان گرفتن»، «گذشت» و «انتخاب حد وسط و میانه است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ۸۳)

۲- عفو از خصوصیات پرهیزکاران است. «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛» (همان) کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از (خطای) مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (آل عمران، ۱۳۴)

۳- عفو زمینه‌ساز آموزش و محبت الهی است. «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛» آنها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است. (نور، ۲۲)

۴- عفو در برابر غیرمسلمان، مایه محبت الهی است. «فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛» ولی به خاطر پیمان شکنی آنها، از رحمت خویش دورشان ساختیم و دل‌های آنان را سخت و پر قساوت نمودیم؛ آنها کلمات الهی را از موردش تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند و پیوسته از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنان؛ ولی از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (مائده، ۱۳)

جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت
(مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

۵- عفو، پاداش الهی افزون بر آمرزش گناهان است. «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ؛» ولی هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ به یقین او ستمکاران را دوست ندارد. (شوری، ۴۰)

۶- یکی از اسماء الهی در قرآن می‌باشد به معنای زیاد عفو کننده که وزن طرفی آن (صیغه مبالغه) دلالت بر کثرت دارد. «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا» خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (نساء، ۴۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ۸۳)

الفاظ متقارب با عفو :

۱- صفح : معمولاً به معنای روی‌گردان و صرف نظر کردن به کار می‌رود در واقع صفح به معنای درگذشتن و نکوهش کردن و از معنای عفو رساتر است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۴۰۴)

قرآن کریم هم در این باره می‌فرماید: «أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ؛» آیا این ذکر (قرآن) را از شما بازگیریم به خاطر این که قومی اسراف‌کارید؟! (زخرف، ۵)

«وَلَا يَأْتَلِ أُولَ الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيُعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛» آن‌ها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آن‌ها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است. (نور، ۲۲)

۲- غفران : در لغت به معنای بیم ترس و آنچه که انسان را از پلیدی و آلودگی مصون می‌دارد گفته می‌شود : إغفر ثوبك في الوعاء؛ لباس را در ظرف شست و شوی کن تا چرکش دور شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۷۰۲)

این واژه در مورد خدا و بندگان در قرآن کریم نیز به کار رفته است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِكْرَامًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛» خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند. (انسان) هر کار (نیکی) را انجام دهد، به سود خود انجام داده و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. مؤمنان می‌گویند: «پروردگارا! اگرما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به‌خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی. پروردگارا! آنچه طاقت

تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار و ما را عفو کن و بیامرز و مورد رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست ما هستی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.» (بقره، ۲۸۶)

«غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» خداوندی که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و بازگشت (همه شما) به سوی اوست. (غافر، ۳) «و لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ و هر کس شکیبایی نموده و عفو کند، این کار، از امور پرازش است. (شوری، ۴۳)

۳- کظم غیظ: یعنی فرو بردن خشم، کظیم صیغه‌ی مبالغه از ماده کظم بر وزن نظم در اصل به معنای بستن گلوی مشک بعد از پر شدن است. غیظ به معنای شدت خشم است، که بر اثر بروز ناملايمات به انسان دست می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱۰)

قرآن کریم هم در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»؛ «و شما مرگ (و شهادت در راه خدا) را، پیش از آن که با آن رو به رو شوید، آرزو می‌کردید؛ سپس آن را (با چشم خود) دیدید، در حالی که به آن نگاه می‌کردید (و حاضر نبودید به آن تن در دهید). (آل عمران، ۱۴۳)

کظم در لغت به معنای بستن سر مشک بعد از پر شدن است و به طور استعاره در انسانی که سرشار از حزن و غضب شود ولی از اظهار آن خودداری کند استعمال می‌شود. غیظ عبارت است از: یک هیجان روحی که به انسان بعد از آن که با ناملايمات فراوانی روبرو شد دست می‌دهد بر خلاف غضب، چه آنکه غضب به آن‌چنان حالتی اطلاق می‌گردد که انسان اراده‌ی انتقام و مجازات دارد. (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۳۳)

اسلام دین مدارا و گذشت: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اسلام حوزه‌ی مدارا و عفو بحثی گسترده است، در مسائل شخصی، در معاشرت و هم‌زیستی اجتماعی که با حقوق دیگران در تقابل نیست. اصل بر تسامح، نرمش و گذشت است از این رو توسل به خشونت و شدت جز به هنگام ضرورت مجاز نیست، چنان‌که امام علی (ع) به یکی از زمامداران حکومتش دستور می‌دهد: جایی که جز درشتی به کار نیاید درشتی در پیش گیر. (دستی، ۱۳۸۴: ۳۹۷)

در مقام عمل، موارد نرمش، عفو و مدارا به مراتب از موارد شدت و خشونت بیشتر و گسترده‌تر است. حتی در مواردی که شدت و قاطعیت لازم است باید به حد ضرورت اکتفا شود. برای نمونه در اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی نمونه‌هایی از عفو و انعطاف وجود دارد از جمله:

تشویق به عفو در حق الناس مانند عفو از قصاص:

جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت
(مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدَايِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما مقرر شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن. پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص تبدیل به خون بها گردد، ولی مقتول) باید از راه پسندیده پیروی کند؛ (و شرایط پرداخت کننده را در نظر بگیرد) و او نیز به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد (و مسامحه نکند)؛ این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما. و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. (بقره، ۱۷۸)

عفو مجرم در صورت توبه قبل از صدور حکم در حقوق الهی :

خداوند متعال در قرآن کریم در این خصوص می فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لِمَنْ هُمْ كِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و برای فساد در روی زمین تلاش می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می - برند) فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا دست و پای آن‌ها، به عکس یکدیگر (چهار انگشت از دست راست و چهار انگشت از پای چپ)، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیا است؛ و در آخرت، مجازات بزرگی دارند. (مائده، ۳۳)

خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدُرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» مگر کسانی که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ پس بدانید (خدا توبه آن‌ها را می پذیرد) خداوند آمرزنده و مهربان است. (مائده، ۳۴)

حق عفو برای حاکم در مورد اقرار :

امام علی (ع) می فرماید: «و هنگامی که فردی به جرم سرقت خود اعتراف کرد پس حاکم می تواند او را عفو یا مجازات نماید.» (نوری، ۱۴۰۸ : ۳۴)

در واقع عفو و گذشت با هدف اصلاح جامعه است و هم چنین توسل به زور و خشونت در برابر دشمنان در صورتی ضرورت می یابد که شیوه های مسالمت آمیز، عفو و مدارا مؤثر نباشد. نخستین گام در سیره ی انبیاء در برخورد با مخالفان همواره نرمش و مدارا بوده است. آیات ۶۰، ۶۱، ۶۶ و ۶۷ سوره اعراف، آیات ۴۲ تا ۴۷ سوره مریم، آیه ۴۴ سوره طه، آیات ۲۳ و ۲۴ سوره شعرا، آیه ۸۵ سوره حجر و آیه ۸۹ سوره

زخرف نمونه‌ای از نرمش و مدارا هستند. در بینش اسلامی عفو و مدارا مرزهای عقیدتی و فکری را درنور دیده و به وسعت انسانیت گسترش یافته و هرگز محدود به مؤمنان نشده است، بلکه شامل انسان‌ها، مسلمانان، اهل کتاب، مشرکین و حتی گناه کارانی نیز می‌شود و آن‌ها را در جای خود سزاوار گذشت و مدارا می‌داند. آیات زیر بیان گر همین امر هستند :

انسان‌ها :

«الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (همانا) کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از (خطای) مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (آل عمران، ۱۳۴)

مسلمانان :

«وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آن‌ها) به پرهیزگاری نزدیکتر است. و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (بقره، ۲۳۷)؛

«فَإِمَّا رَحْمَةً مِنْ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ» به سبب رحمت الهی، در برابر مؤمنان، نرم و مهربان شوی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. (آل عمران، ۱۵۹)؛

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. (فتح، ۲۹)

اهل کتاب :

«وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آن‌ها ریشه دوانده - آرزو می‌کردند شما را بعد از ایمان آوردن، به حال کفر باز گردانند؛ با این که حق برای آن‌ها کاملاً روشن شده است. شما آن‌ها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛ زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست. (بقره، ۱۰۹)؛

جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت
(مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

«لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَتَسْمَعُونَ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛» «به یقین (همه شما) در اموال و جان‌های خود، آزمایش می‌شوید! و از کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب آسمانی داده شده و از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید. و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است؛ زیرا) این (استقامت و تقوا) از کارهای مهم است (آل عمران، ۱۸۶)؛

«فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛» ولی به‌خاطر پیمان شکنی آن‌ها، از رحمت خویش دورشان ساختیم و دل‌های آنان را سخت و پر قساوت نمودیم؛ آن‌ها کلمات الهی را از موردش تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آن‌ها گوشزد شده بود، فراموش کردند و پیوسته از خیانتی (تازه) از آن‌ها آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنان؛ ولی از آن‌ها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (مائده، ۱۳)

مشرکین :

«قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛» «کسانی را که امید به ایام الله (روز رستاخیز) ندارند مورد عفو قرار دهند تا (روزی که) خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند جزا دهد.» (جاثیه، ۱۴)؛

«فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ؛» پس (اکنون) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، اما به‌زودی خواهند دانست! (زخرف، ۸۹)؛

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛» «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به‌حق نیافریدیم و قیامت به یقین فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می‌رسد)؛ پس، به نحو شایسته‌ای از آن‌ها صرف نظر کن. (حجر، ۸۵)

گناهکاران :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛» (بقره، ۱۷۸)؛

«وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيُغْفَرُوا وَلِيُصْفَحُوا أَلَّا تُحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛» «آن‌ها که از میان شما دارای برتری

(مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آن‌ها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را بیامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است. (نور، ۲۲)

فلسفه تشویق به عفو :

کسی که عفو کرده اگر چه حقی از او ضایع شده و در مقابل ظاهراً چیزی نگرفته اما به خاطر گذشتی که از خود نشان داده، این گذشت سبب انسجام جامعه و کاهش کینه‌ها و افزایش محبت و متوقف شدن انتقام جویی و آرامش اجتماعی شده است. لذا خداوند در آیه ۴۰ سوره شوری می‌فرماید : درجه و پاداش چنین شخصی بر عهده من است. با توجه به آیه مذکور علت تشویق به عفو و گذشت در آیات و روایات چند چیز می‌باشد : ۱- فرمان عفو برای این است که در صورت قصاص و کیفر انسان گناه نمی‌تواند خود را کنترل کند و از حد می‌گذراند و خود در ردیف صف ظالمان قرار می‌گیرد. ۲- اصلاح ظالمان و ستمگران که آن‌ها از گذشته خود پشیمان گردند و در صدد اصلاح خود برآیند، نه اینکه عفو آن‌ها را جسورتر و جری‌تر کند. ۳- هدف از تشویق به عفو هدایت گمراهان و استحکام پیوندهای اجتماعی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ۴۶۶)

بخش سوم) عفو و گذشت در کتاب مقدس مسیحیان :

طبق سنت مسیحی، مسیحیت هفت فضیلت اصلی دارد : سه فضیلت الهیاتی (ایمان، امید و محبت) و چهار فضیلت انسانی (مصلحت اندیشی، بردباری، اعتدال و عدالت) گفتنی است این دیدگاه بر اساس نظریه توماس آکویناس بود، چرا که آگوستین چهار فضیلت اخیر را شکل‌هایی از محبت می‌انگاشت و تنها سه فضیلت اول را اصلی می‌شمرد. (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۴-۱۴۲)

با توجه به این که مسیحیت از عقاید پولس تأثیر پذیرفته است برخی از عقاید او را بیان می‌کنیم :

آموزه‌های وی مسیحیت را از مسیر اصلی و اولی خود خارج نمود. (بی‌ناس، ۱۳۴۵: ۶۶۱) در رساله پولس به رومیان (۱۳:۸) سخن از صلح و محبت به میان آمده است : مدیون احدی به چیزی نشوید جز به محبت نمودن با یک دیگر، زیرا کسی که دیگری را محبت نماید شریعت را به جا آورده است. پولس در رساله اول خود به قرنتیان (۱۳:۱) فضایل اخلاقی را این چنین بیان می‌دارد: «این سه چیز چیز باقی است، ایمان و امید و محبت، اما بزرگتر از این‌ها، محبت است» عفو و گذشت مسیحیت هم به دلیل محبت آن‌هاست، همان طور که گفته شد محبت برترین فضیلت در مسیحیت شمرده شده است. (قربانی، ۱۳۹۰: ۲۸۶)

جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت
(مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

کتاب مقدس^۱ به کتاب دینی یهودیان و مسیحیان اطلاق می شود. کتاب مقدس یهودیان تنخ و کتاب مقدس مسیحیان شامل عهد عتیق (تنخ) و عهد جدید است. این مجموعه کتابها در مدتی بیش از ۱۵۰۰ سال و به وسیله ۴۰ نویسنده گوناگون نوشته شده و به ادعای مسیحیان هنوز کتابی بدون تناقض است همه بخشهای کتاب مقدس اعم از کتابهای عهد عتیق و عهد جدید نزد مسیحیان اعتبار و قداست دارد و مسیحیان آن را کلام خدا می دانند. (محمدیان و دیگری، ۱۳۸۱: ۳۷)

مسیحیان با آنکه درباره تعداد کتابهای رسمی عهد عتیق اختلاف دارند در باب کتابهای عهد جدید متفق القول اند و همگی ۲۷ کتب نام برده از جمله انجیلهای چهارگانه را، عهد جدید رسمی می دانند، رسمیت این کتب در فاصله سالهای ۱۵۰ تا ۲۰۰ تعیین گردیده است و مسیحیان از آن زمان به آنها معتقد شده اند. (میشل، ۱۳۷۷: ۲۷) بر همین اساس کلیه اعتقادات مسیحیان کاتولیک، پروتستان و ارتدکس از کتاب مقدس آنها اخذ گردیده است و دیدگاه متفکران مسیحیت مد نظر نیست.

حکم قصاص در قرآن آیات ۴۱ تا ۴۵ سوره مائده که این حکم در تورات فعلی؛ و اگر اذیتی دیگر حاصل شود آنگاه جان به عوض جان بده و چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان و دست به عوض دست و پا به عوض پا و زخم به عوض زخم و لطمه به عوض لطمه (سفر خروج ۲۱، ۲۳، ۲۵) و در انجیل متی به نقل از حضرت عیسی (ع) هم آمده است. (انجیل متی ۵: ۳۸)

موعظ حضرت عیسی (ع) بر فراز کوه: «شنیده اید که گفته شده است؛ همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، بخشش و احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید.» (انجیل متی ۴-۴۳: ۵)

خطبه کوه مجموعه ای از گفته ها کم و بیش اصیل بوده و نمی توانیم مطمئن باشیم که همه این حرفها را حضرت عیسی (ع) عیناً به همین شکل گفته باشد. هم چنین مفسران به این قطعه خاص اعتراض کرده اند که تورات و خاخامها هیچ جا به یهودیان نگفته اند که به دشمنان خود کینه بورزد. ولی اگر این گفته به خصوص هم تصویر درستی از تعلیمات سنتی یهودی نباشد، تردید نیست که معنای تلویحی کینه ورزی با دشمن در تورات وجود دارد، حضرت عیسی (ع) در خصوص اطاعت صاف و ساده فرمان تورات در مورد دوست داشتن هم نوع کافی نیست، محبت باید فراتر برود تا آن که حتی دشمنان را در برگیرد. (کارپنتر، ۱۳۸۰: ۹۰-۸۹)

^۱ Bible

بیشتر، بخشش در دعاهای حضرت عیسی (ع) در حق مردم دیده می‌شود: عیسی (ع) گفت: «ای پدر! این‌ها را ببخشای، زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند.» (انجیل لوقا، ۳۴: ۲۳)

آنگاه پطرس نزد او آمده، گفت: خداوندا، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد؟ می‌باید او را ببخشید؟ آیا تا هفت مرتبه؟ عیسی (ع) به او گفت: «تو را نمی‌گویم تا هفت مرتبه، بلکه تا هفتاد و هفت مرتبه» (انجیل متی، ۱۸: ۲۱) این توصیه حضرت عیسی (ع) بر اهمیت سهل گرفتن در بخشش و بخشیدن افراد جامعه دلالت دارد.

چنان که خود مسیح (ع) اعلام کرد، ریشه آموزه‌های او همان تعلیمات عهد قدیم است. (انجیل متی ۸- ۱۷: ۵) او با آداب و رسوم بی‌معنی و برداشت‌های غلط از عهد قدیم مخالفت می‌کرد. (انجیل متی ۲: ۵؛ ۱۵: ۲، ۳)

شنیده‌اید که گفته‌اند: چشم به عوض چشم، دندان به عوض دندان اما من به شما می‌گویم: «به کسی که به تو بدی می‌کند بدی مکن، اگر کسی بر گونه راست تو سیلی زد، بگرد و گونه دیگر خود را به سوی او بگردان.» (انجیل متی ۹- ۳۸: ۵؛ انجیل لوقا ۳۰- ۲۹: ۶)

باز مفسران یادآور می‌شوند که عبارت تورات درباره انتقام خواستار چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان نیست و انتقامی محدود می‌طلبد برای جبران دقیق آزار و نه تجویز انتقامی بدون عنان. از این گذشته تلافی مستقیم تا زمان حضرت عیسی (ع) از بین رفته بود و شیوه پرداخت غرامت جای آن را گرفته بود. گفتار حضرت عیسی (ع) بر مبنای اشتباه فهمیدن تورات نیست و اصل غرامت را نمی‌کوبد حرف او این است که مشیت خداوند را نمی‌توان به قانون غرامت محدود کرد. اوامر خداوند خیلی فراگیرتر از چیزی است که به این قانون می‌گوید خدا می‌خواهد بندگانش هرچه را از آن‌ها می‌طلبند و حتی بیشتر را ادا کند و لو این خواسته ناحق باشد. (کارپنتر، ۱۳۸۰: ۹۲)

بیانات حضرت عیسی (ع) در پایان خطبه کوه به همین محتوا اشاره دارد: همیشه با دیگران همان گونه رفتار کنید که می‌خواهید آن‌ها با شما رفتار کنند. این خلاصه تورات و گفته‌های انبیاست. (انجیل متی ۷: ۱۲؛ انجیل لوقا ۳۱: ۶)

جیمز هاکس در کتاب قاموس کتاب مقدس ذیل کلمه پطرس (هاکس، ۱۳۷۷: ۲۴۰) و برخی از مسیحیان دیگر می‌گویند: درست است که شاگردان مسیح گاهی گرفتار گمراهی می‌گشتند ولی فوراً توبه می‌کردند و مورد محبت مسیح (ع) واقع می‌شدند. اما پاسخ این است که طبق تعالیم انجیلی هر گناهی بخشودنی است جز گناه کبیره و انکار مسیح (ع)، چنان که انجیل متی می‌گوید: از این رو شما را می‌گویم که هر

جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت
(مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

نوع گناه و کیفر از انسان آمرزیده شود، لیکن کفر به روح القدس از انسان عفو نخواهد شد. (انجیل متی، ۱۰:۲۵) گرچه در این جمله انکار روح القدس را در خور بخشش نمی‌داند نه کفر مسیح (ع)، را اما با توجه به این که مسیحیان خدا، روح القدس و مسیح (تثلیث) را یک حقیقت واحد می‌دانند پی انکار روح القدس در واقع همان انکار مسیح (ع) خواهد بود. (خیرخواه، ۱۳۸۸: ۱۲۷)

آیین‌های کلیسا مرتبط با عفو و گذشت

یکی از آیین‌های کلیسا در دین مسیحیت، آیین اعتراف است. اگر شخصی دچار خطا یا اشتباهی شود، باید نزد کشیش به گناه خود اعتراف کند تا گناهانش بخشیده شود. برای این کار شخص گناه کار پس از ورود به اتاقکی چوبین در برابر کشیش زانو می‌زند و گناهانش را برای کشیش شرح می‌دهد و سپس کشیش عباراتی از باب اندرز می‌گوید و برایش جریمه‌ای مقرر می‌کند. (راستن، ۱۳۸۵: ۲۳۳)

یکی دیگر از آیین‌های کلیسا مراسم شام مقدس است که چهار هدف را دنبال می‌کند: تجلیل خدا، کفاره گناه، اظهار تأسف از انجام خطا و درخواست نیازهای مادی و معنوی، در این مراسم کشیش بیان می‌دارد که خداوند، آمرزش، عفو و بخشش گناهان ما را تضمین کرده است (جورج، ۱۳۸۱: ۱۵۷)

محدوده‌ی عفو و گذشت در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان:

اشتراکات: در تعالیم قرآن و کتاب مقدس مسیحیان درباره حد و مرز عفو و گذشت، اشتراکاتی به شرح زیر دیده می‌شود:

ترجیح عفو در مسائل شخصی

در قرآن می‌توان به موارد بسیاری اشاره نمود. از جمله آیه‌ای که در مورد بخشش سائل مصر است و با اینکه این فرد با اصرار و مزاحمتش ممکن است باعث آزار انسان گردد، خداوند انسان را به بخشش او توصیه می‌کند. (بقره، ۲۶۳)

نمونه‌هایی فراوانی از این امر در کتاب مقدس وجود دارد. مثلاً زمانی که مسأله بخشش در موضع قصاص را مطرح یا هنگامی که انسان را به بخشیدن ردایش به غاصب پیراهن تشویق می‌کند. (انجیل متی، ۵: ۳۸-۴۷)

بخشی در مورد خطای دوستان و برادران

در قرآن کریم توصیه می‌گردد پس از بخشیدن گناه دوستان و برادران ایمانی، باید با آنان هم‌چون قبل رفتار کرد؛ گویا اشتباهی مرتکب نشده‌اند. (نور، ۲۲)

در کتاب مقدس نیز وقتی سخن از بخشش برادر و دوست به میان می‌آید، سفارش می‌شود که باید ایشان را به طور مکرر و بدون هیچ محدودیتی، بخشید. (انجیل متی، ۱۸: ۲۱)

بخشش در مصالح اجتماعی

برخی اوقات مصالح اجتماعی ایجاب می‌کند که انسان دیگران را مورد عفو و بخشش قرار دهد. از جمله این مصالح در قرآن کریم می‌توان از تبدیل دشمنی به دوستی در سوره فصلت آیه ۳۴ استفاده نمود. در کتاب مقدس نیز به این موضوع اشاره شده که باید از بخشش و گذشت استفاده کرد تا بتوان با دیگران در آرامش و صلح زندگی نمود. (نامه پولس به رومیان، ۱۲: ۱۹)

بخشش نکردن در تجاوز دشمن

یکی از مواردی که هم در قرآن و هم در کتاب مقدس به آن اشاره شده، بخشش نکردن در تجاوز دشمن است. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که بیانگر موقعیت‌هایی است که در آن مسلمانان به جهاد امر شده‌اند (بقره، ۱۹۱) و در کتاب مقدس نیز جملاتی از حضرت عیسی (ع) مشاهده می‌شود که به مقابله و دفاع دعوت کرده‌اند؛ از جمله بیاناتی که در آستانه‌ی دستگیریشان به شاگردان خود فرمودند. (انجیل لوقا، ۲۲: ۳۶-۳۷)

افتراقات

در گسترش فساد و جنایت

یکی از مواردی که در آن قرآن و کتاب مقدس با هم تفاوت دارد، اشاعه و گسترش فساد است. قرآن کریم جایی که بخشش موجب گسترش فساد و افزایش جنایت در جامعه می‌شود، عفو را تحریم کرده است. (بقره، ۱۷۸) اما در کتاب مقدس دستوری روشن در این خصوص صادر نشده است و گاه بخشش مجرم یا جانی توصیه شده است. (انجیل متی، ۵: ۳۸)

ضایع شدن حقوق مردم

از جمله مواردی که در قرآن کریم به آن اشاره شده اما در کتاب مقدس سخنی از آن به میان نیامده، زمانی است که حق فرد دیگری در بین باشد. در مواردی که حق دیگران و جامعه در بین است، نمی‌توان بخشش کرد؛ زیرا در این صورت در ظلم به آن مظلوم شریک خواهیم بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ۲۵۴)

نتیجه‌گیری

روحانیت مسیحیت تا هنگامی که از آموزه‌های آسمانی پیامبر پاکی‌ها و نوید دهنده نجات بشر و آموزگار زهد و پارسایی یعنی عیسی (ع) تبعیت و در راستای تعالیم حیات بخش آن حضرت رفتار می‌کرده

جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت
(مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)

است نقش ارزنده و آثار پرباری در پرورش و هدایت مجامع مسیحی داشت، اما متأسفانه از آن فاصله گرفته است. در مقابل، اسلام در هر مورد مسائل را با واقع بینی و بررسی همه جانبه دنبال می‌کند و در مسأله عفو و گذشت نیز حق مطلب را به دور از هر گونه تندروری و کندروی بیان داشته است و نه تکیه بر قصاص می‌کند و نه مانند مسیحیت کنونی، فقط راه عفو یا دیه را به پیروان خود توصیه می‌نماید، چرا که اولی عامل خشونت و انتقام‌جویی و دومی مایه‌ی جرئت و جسارت است، لذا تعالیم حیات‌بخش اسلام حکم اصلی را مجازات قرار داده و برای تعدیل آن حکم، عفو و گذشت را در کنار آن ذکر کرده است، با این وجود دین اسلام و مسیحیت بر اساس قرآن کریم و کتاب مقدس نقاط اشتراکی دارند که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد:

- ۱- هر دو دین توحیدی و مبتنی بر ایمان به خدا هستند.
- ۲- هر دو دین یک اخلاق بنیادین مشترک دارند و پیروان خود را ملزم به پای بندی به آن می‌نمایند.
- ۳- هر دو دین پیام خود را در متون مقدس خود نوشته‌اند.
- ۴- هر دو دین با پیامبران بزرگ الهی شکل گرفته‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن فارس، ا. (بی‌تا)، معجم المقاییس اللغه، بیروت: دارالجلیل.
- ۳- ابن منظور، م. (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دارالصادر، چاپ سوم.
- ۴- جورج، ب. (۱۳۸۱)، آیین کاتولیک، ترجمه: ح، قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۵- بی‌ناس، ج. (۱۳۴۵)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: ع، حکمت. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- بی‌نا. (۱۳۸۱)، دائرة المعارف کتاب مقدس، ترجمه: ب، محمدیان، تهران: سرخدار.
- ۷- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۵)، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۸- خیرخواه، ک. (۱۳۸۸)، پژوهشی در آیین مسیحیت، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۹- دشتی، م. (۱۳۸۴)، نهج البلاغه، قم: انتشارات الهادی.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره چهل و ششم، پاییز ۱۳۹۴

- ۱۰- راستن، ل. (۱۳۸۵)، فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکایی، ترجمه: م. بقایی، تهران: حکمت.
- ۱۱- راغب اصفهانی، ا. (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دار الشامیه، چاپ اول.
- ۱۲- راغب اصفهانی، ا. (۱۳۶۳)، المفردات الفاظ قرآن، تهران: مکتبه المرتضوی.
- ۱۳- سیار، پ. (۱۳۸۷)، عهد جدید، بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، تهران: نشر نی.
- ۱۴- شهر آشوب، ا. (بی تا)، مناقب آل ابی طالب، قم: مطبعه العلمیه.
- ۱۵- طباطبایی، م. (۱۳۶۴)، تفسیر المیزان، تهران: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- ۱۶- طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶)، مجمع البحرین، قم: قسم الدراسات الاسلامیه.
- ۱۷- قربانی، ع. (۱۳۹۰)، ایمان، امید، محبت در اسلام و مسیحیت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۱۸- کارپنتر، ه. (۱۳۸۰)، کتاب عیسی، ترجمه: ح. کامشاد، تهران: طرح نو.
- ۱۹- کاشانی، م. (۱۳۸۳)، محجه البیضاء، قم: جامعه مدرسین قم.
- ۲۰- کی فرانکنا، و. (۱۳۸۳)، فلسفه اخلاق، ترجمه: ه. صادقی، قم: کتاب طه.
- ۲۱- کلینی، م. (۱۳۷۵)، اصول کافی، ترجمه: م. کمره‌ای، قم: انتشارات اسوه.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۰)، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات نسل جوان.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۵۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۴- میشل، ت. (۱۳۷۷)، کلام مسیحی، ترجمه: ح. توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۲۵- نراقی، م. (۱۳۷۱)، جامع السعادت، ترجمه: ج. مجتبیوی، تهران: انتشارات حکمت.
- ۲۶- نوری، ح. (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، قم: آل البیت.
- ۲۷- هاکس، ج. (۱۳۷)، قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر.

۱- Klassen, W. (1996), The Forgiving Community, Philadelphia, the Westminster Press.

۲- Oxford Dictionary, (2004), Oxford, Oxford University Press.